

### متن پرسش

سلام و عرض ادب: بنده به حمدالله بعد از سالها کم کم، جایگاه علم عرشی شما را بیشتر از قبل متوجه می‌شوم. اینکه شما آدم مذهبی، عارف، مفسر قران و نهج البلاغه و روایات، غرب شناس و ... بودید و هستید شکی نیست. اما نگاه بسیار عمیق و حکیمانه شما، تحلیل عرشی فرا سیاسی و فرا مذهبی جنابعالی، ما را وارد عالم جدیدی می‌کند که گویا آن عالم، مادر عوالم و علوم هست و همین نگاه باعث می‌شود که ما با احاطه بیشتر و دیدن زوایا و جوانب بیشتر، مسائل را دنبال کنیم. فی المثل همین مناظره آقای نصیری و آقای خانعلی زاده را که در کانال مطالب ویژه بارگزاری فرمودید نکاتی را که به ذهنم رسید بیان کنم: ۱. تفکر آقای نصیری، نماد و جلوه ای از جریان فکری غربگراست که تماماً غرب زده و اتفاقاً غرب پرست هستند. به دلیل اینکه هرچه غرب بگوید و انجام دهد ایده ال و هرچه جمهوری اسلامی انجام دهد همه یکسره عبث و باطلست. این گروه سامری، گوساله پرستی هستند که زیور و طلای آن گوساله، تجملات و اشرافی گری و زیبایی های ظاهری و ابزار غریبست و تاریخ چپاول و غارت ثروت سایر ملت ها توسط غرب را نمی بینند و تاریخ بردگانی که از آفریقا به آمریکا برده شدند را نمی دانند. کشتارها و جنایات غرب وحشی در جنگ های اول و دوم را نمی‌خواهند ببینند. تجاوز آمریکا و ناتو به کشورهای دیگر (قتل و خرابی و ... که همه می‌بینند) را شاید اینها زیبا ببینند. یکسره حیوانی و پاشیدگی خانواده و نابودی اخلاق انسانی و انحطاط انسانیت را متأسفانه نمی‌بینند چون دایره دیدشان محدود و خلاصه شده در ماشین لوکس و زیبایی های بصری و توهمی غرب. این جماعت، تا ابد می‌خواهند سایر ملل، برده و نوکر غرب باشند چون اعتقاد به کرامت انسانی ندارند چون باور ندارند که ما می‌توانیم ارباب خودمان باشیم چون خودشان می‌خواهند غرب ادامه داشته باشد چون می‌خواهند ظلم و استکبار ادامه پیدا کند چون می‌خواهند خودشان ظالم باشند و این تفکر و فرهنگ غارتگر اگر نباشد هویت شان برباد رفته است. این تفکر که تماماً در دنیای وهمیست و خودشان هم متعلق به این دنیای وهمی هستند دارند تمام می‌شوند چون تمام موجودیتشان توهمیست و توهم هم حقیقت ندارد که باقی شود. ۲- آقای خانعلی زاده از یک افق عزت مدارانه، علم مدارانه صحبت می‌کردند و بر اساس شواهد و اسنادی که نشان از عقلانیت بالای ایشان بود که در واقع عقلانیت انقلاب است، حکایت داشت. واقعاً خیلی قوی بودند و فردی به این حد مطلع و باسواد، باعث شغف ما شد که حتی دانشجویان هم با کف زدن، منطق آقای خانعلی زاده را تأیید کردند. این عقلانیت آقای دکتر خانعلی زاده، نشان پختگی ایشان بود که در طرف مقابل، ما تنها هیاهو، کینه بسیار عمیق و شدید از جمهوری اسلامی و جنجال آفرینی و عوام فریبی را دیدیم که گویا همان تفکر

اموی را دنبال می‌کنند. ۳. با آنکه قصد دکتر خانعلی زاده علی الظاهر این بود که کمتر به شواهد قرانی و روایی رجوع کنند و بیشتر مستدل و علمی (آکادمیک و دانشگاهی) صحبت کنند اما مشخص بود که خیلی در زمینه دینی مسلط هستند اما چون فضا، فضای دانشجویی و دانشگاهی بود نمی‌خواستند وارد مسائل دینی شوند اما از دیگر سو، با آنکه طرف مناظره هیچ اعتقاد - تکرار می‌کنم هیچ اعتقاد عمیق دینی ندارد و دائم دین و نماد های اصیل دینی یعنی پیامبر و ائمه - علیم صلوات الله - را تحقیر می‌کنند و برداشت وارونه و شخصی از دین و تاریخ دارند اما و اما چنان عوام فریبی می‌کنند که شاید و البته شاید - فقط ظاهر بینان خفته، در خواب خود آنها را تأیید کنند. خود آقای نصیری؛ حداقل آنچه را که ما در بعد انسانی و اجتماعی از کلام ایشان درک می‌کنیم و از ما حصل کلامش بیرون میاید اصلاً قران را نفهمیده اند و به آقای خانعلی زاده توصیه می‌کنند که قران بخوانند. در جهان امروز قران خواندن، به تنهایی کافی نیست و با قرائت معایه ای بدتر. با قرائت داعشی هم صد البته بدتر. چون داعش بهتر از همه حافظ قران بودند (در کلمات و عبارات) الحاصل اینکه این مناظره امیدواریم باب تفکر و گفتگوی بین مردم را باز کند و مردم بیشتر به پوچی لیبرالها پی ببرند و اینکه جماعتی که همچون معاویه از دین استفاده ابزاری می‌کنند برای پیروانشان روشن شود. بنده بدون حب و بغض چیزی را عرض کردم و سعی کردم با وجه پدیدار شناسانه هستی شناسانه و البته خیلی مختصر بررسی کنم. والسلام

#### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: چه اندازه موجب مباهات است که این چنین کاربران عزیز متوجه جایگاه تاریخی ما در امروز و فردایمان هستند. و ملاحظه می‌کنید ان‌گاه که انسان در مسیر صحیح قرار بگیرد، چه اندازه همچون آقای خانعلی زاده، منطقتش رسا و عقلانی می‌شود و وقتی انسان در مسیر صحیح تاریخی خود قرار نگیرد چه اندازه با واژه‌های دینی ناتوانی خود را در فهم آن واژه‌ها نشان می‌دهد. گویا ایشان فراموش کرده بودند که اساساً علت خروج حضرت اباعبدالله «علیه السلام» از مدینه به جهت عدم پذیرش بیعت یزید بود و از همان بدو ورود، حکایت این مسیر را که به شهادت می‌انجامد پیش‌بینی می‌کنند. موفق باشید